

بررسی واژگان قرآنی مرتبط با «تربیت سیاسی» با

تأکید بر روابط خارجی*

روح الله پورعابدین**

منورسادات شایسته خو(نویسنده مسئول)***

چکیده

حکومت، تنظیم کننده روابط بین ملت‌ها و سیاست‌های برون مرزی است، اما این کار بدون ارتباط با مردم میسر نیست. این پژوهش با روش توصیفی، تحلیلی به بررسی واژگان قرآنی مرتبط با «تربیت سیاسی» با تأکید بر روابط خارجی در آیات یکم تا نهم سوره ممتحنه با تکیه بر آرای مهم‌ترین تفاسیر شیعه و سنی و آموزه‌های فقه سیاسی پرداخته است. نتایج و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد آیات قرآن و همچنین سیره نبوی در معاهدات، نامه‌ها و غیره در زمینه ایجاد رابطه با جوامع دیگر و غیر مسلمان، گویای این است که اسلام دین ارتباط است، اما برای این ارتباطات حدود گذاشته است و همچنین اصول برگرفته از آیات آغازین سوره «ممتحنه» در مبنای روابط خارجی عبارت‌اند از: اصل اسوه‌پذیری در روابط، پرهیز از دوستی و اعتماد به دشمنان خدا، عدم اعتماد به دشمن با تدبیر هوشمندانه و مدبرانه، عدم ترجیح منافع شخصی بر مصالح جامعه اسلامی، همراهی معنویت و سیاست در روابط خارجی و اصل جذب و جلب در روابط خارجی. روش‌های پیاده‌سازی این اصول غالباً روش‌های شناختی، اعطای بینش و تقویت خردگرایی است که در کنار روش‌های رفتاری مانند عبرت گرفتن، مدارا نمودن و اسوه‌گزینی به کار گرفته می‌شود. **کلید واژه‌ها:** روش تربیت سیاسی، روابط خارجی در قرآن، سوره ممتحنه، اصول تربیت سیاسی، فقه سیاسی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۱۶ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۴/۱۹ - سطح مقاله: علمی، ترویجی

** دکتری تخصصی مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی قم/ سطح ۴ فقه و اصول، حوزه علمیه خراسان/ pourabedin58@chmail.ir

*** طلبه سطح ۴ تخصصی تفسیر تربیتی مکتب نرجس(س) مشهد مقدس/ mohmo66@yahoo.com

مقوله تربیت در علوم تربیتی به صورت مضاف نیز به کار رفته است؛ «تربیت دینی»، «تربیت سیاسی»، «تربیت اجتماعی» و...، که هرکدام با توجه به هدفی که در حوزه خود تعریف می‌کنند، سمت و سوی این تغییر مطلوب را در نظر می‌گیرند. از سوی دیگر، هر نظام تربیتی دارای مبانی، اهداف و اصول است. اصول برگرفته از مبانی و اهداف است و روش‌ها برای پیاده‌سازی اصول جهت دست یافتن به اهداف تربیتی است که می‌توان از متون دینی و تجربیات بشری و تفکر، کشف نمود. در جستجو و کاوش دقیق از کتاب و سنت، اصول و روش‌های بسیار مهم و جالبی به دست می‌آید که چه بسا تاکنون هیچ یک از مکاتب و دیدگاه‌های علمی بدان واقف نگشته‌اند. مع‌ذلک این به معنای انحصار اصول، روش‌ها و فنون تربیتی در متون مقدس نیست، بلکه تلفیقی از اصول و روش‌های علمی و دینی است. (ر. ک: حاجی ده‌آبادی، بی‌تا: ۷۴) البته چون مقصود تربیت دینی در بُعد سیاسی است باید اصول را از منابع چهارگانه معتبر دین (کتاب، سنت، اجماع و عقل) دریافت کرد. همچنین برای روش‌ها می‌توان از علوم و معارف و حیانی به همراه علوم بشری و تجربی بهره جست.

در اسلام «تربیت سیاسی» را نمی‌توان جدای از «تربیت دینی» در نظر گرفت، بلکه تربیت سیاسی مطلوب، مصداقی از تربیت دینی خواهد بود، زیرا جهان‌بینی و ایدئولوژی که دو رکن مهم در مبنای تربیت دینی بوده و از آموزه‌های اسلامی اخذ می‌شود، در تربیت سیاسی نیز پایه و اساس هستند.

آنچه در این پژوهش بدان پرداخته می‌شود اصول و روش‌های تربیت سیاسی بر مبنای روابط خارجی در آیات یکم تا نهم سوره ممتحنه است. در این سوره رویکردهای سیاسی قابل توجهی بر مبنای توحیدی دیده می‌شود که می‌توان اصول و روش‌های تربیت سیاسی را از آن استنباط نمود. ضرورت این پژوهش از آنجا

آشکار می‌شود که کشورهای اسلامی در زمینه حقوق و قانونگذاری در حوزه روابط خارجی توجه و تحرک زیادی داشتند، اگرچه این فعالیت‌ها گاهی بر مبنای دینی هم نبوده است. این پژوهش به دنبال پاسخ این سؤال‌هاست:

- شهروندان مسلمان و همچنین دولت‌های اسلامی یا به تعبیر کلان‌تر امت اسلامی در روابط خارجی خود باید چگونه باشند؟
- اصول رشد و شکوفایی سیاسی در روابط خارجی چیست؟
- چه روش‌هایی برای رسیدن به تربیت سیاسی مطلوب باید مدنظر باشد؟

در مراجعه به منابع مرتبط، اکثر تفاسیر شیعه و سنی (حدود ۱۴ تفسیر شیعه و اهل سنت) جدای از دو تفسیر «المیزان» و «فی ظلال القرآن»، رویکرد تربیت سیاسی نداشته‌اند.

آنچه در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود با تکیه بر یک مبنای پذیرفته شده در اسلام است، یعنی وجود روابط خارجی در ارتباطات اجتماعی جامعه اسلامی، که علاوه بر آن، اصول و روش‌های تربیتی با توجه به این مبنا از سوره ممتحنه استخراج خواهد شد. اگر چه دامنه این مبانی، اهداف، اصول و روش‌ها برای رسیدن به نظام تربیت سیاسی فراتر از این سوره است، اما به قدر نمی‌از دریا، می‌توان از نگاه این سوره و آیات آغازین، به نکاتی دست یافت. این پژوهش در سه قسمت تدوین شده است؛ در ابتدا بیانی از تعریف تربیت سیاسی مطرح شده و با ذکر تعریف مختار به مبنای روابط خارجی در اسلام پرداخته است، سپس به مهم‌ترین اصول و روش‌های برخاسته از این مبنا اشاره می‌شود.

این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای از منابع دینی به ویژه تفاسیر شیعه و سنی و با روش توصیفی، تحلیلی به استخراج اصول و روش‌های تربیت سیاسی از آیات آغازین سوره ممتحنه می‌پردازد.

۱. مفهوم تربیت سیاسی

«تربیت» از ریشه «ربو» در لغت به معنی زیادت و افزونی است: «رَبَّيْتُهُ وَ تَرَبَّيْتُهُ»، یعنی او را غذا دادم و تغذیه کردم. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸ / ۲۸۳)

راغب نیز در مفردات بیان می‌کند: «رَبَّيْتُ الْوَلَدَ فَرَبًا»، فرزند را تربیت کردم و رشد کرد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲ / ۴۰) در اصطلاح تعاریف متعددی از تربیت ارائه شده است: برخی «تربیت» را رشد دادن و پرورش دادن می‌دانند که این مبنی بر قبول کردن یک سلسله استعدادها در انسان است. (مطهری، ۱۳۷۲: ۳ / ۴۵۲ و ۴۵۳)

برخی نیز تربیت را مجموعه تدابیر و روش‌هایی برای ایجاد بقا و اکمال ادراکات، تمایلات، تصمیمات، اقدامات مطلوب در متربی می‌دانند. (بهشتی و نیکویی، ۱۳۹۸: ۱۵۷) همچنین تربیت شامل فعلیت بخشیدن به هر نوع کمالی در انسان است که مطلوبیت و ارزش داشته باشد. این کمال گاهی جنبه شناختی دارد که به دانش شناخت و آگاهی مربوط می‌شود، گاهی جنبه گرایشی دارد که به نگرش، اعتقاد، علایق و احساسات انسان مربوط می‌شود و گاهی جنبه کششی دارد که رفتارها و اعمال عینی انسان که اغلب دارای مظاهر جسمانی هستند مرتبط است. (بیاتی و پورکیانی، ۱۳۹۸: ۳۷)

واژه «سیاست» نیز در لغت به معنی تدبیر، اصلاح و تربیت است. همچنین در معانی امر و نهی کردن مردم، ریاست کردن، حکم راندن، مصلحت اندیشیدن، کیفر دادن، تربیت و ادب کردن، به اصلاح چیزی همت گماردن و نگاهداری و حراست، به کار رفته است (ف.راهیدی، ۱۴۰۹: ۷ / ۳۳۶ و ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶ / ۱۰۸)

تعریف اصطلاحی سیاست در منابع مربوطه بسیار متنوع و مختلف است که شاید دلیل آن پیوند خوردن موضوعات مختلف با سیاست باشد. فرهنگ لیتره (از فرهنگ‌های بسیار مهم در زبان فرانسه) سیاست را علم حکومت بر کشورها دانسته

و دایرة المعارف بزرگ فرانسه آن را هنر حکومت دولت می‌داند. همچنین سیاست در یک جامعه معین به تجزیه و تحلیل شکلی و ماهوی روابط و مسائل مربوط به حکومت و مردم می‌پردازد. (هاشمی، ۱۳۹۵: ۲۷) نیز سیاست، فنّ حکومت بر جوامع انسانی است؛ اخذ تصمیم درباره مسائل ناهمگون و توزیع اقتدار آمیز ارزشهاست. مجموعه تدابیری است که حکومت به منظور اداره امور کشور اتخاذ می‌کند. (ر.ک: اسکندری، ۱۳۷۸)

با توجه به این تنوع در تعریف تربیت و سیاست، تربیت سیاسی از مفاهیمی است که دیدگاه‌ها و نظرگاه‌های متفاوتی را در تعریف خود تجربه نموده است که در این پژوهش با نگاه دینی به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. برخی بر اساس تعلیم‌پذیری انسان، تربیت سیاسی را تعریف نموده‌اند:

۱. اگر با نگرشی توحیدمحور که در آن هدف انسان پیمودن راه کمال است به موضوع بنگریم در این صورت، تربیت سیاسی جریانی هدفمند است که هدف آن هدایت جامعه جهت مصالح دنیوی و اخروی مردم است، به شرط آنکه این تربیت، توحید محور باشد و معیارهای هدایت به سوی کمال در زندگی انسان را از کلام خدا گرفته باشد (ر.ک: داودی و فاضلی دهگردی، ۱۳۹۳)

۲. تربیت سیاسی فرایندی مداوم تکاملی و رشد دهنده است که نتیجه آن رسیدن به کمال مطلوب و بلوغ سیاسی جامعه با توجه به فرهنگ سیاسی است. (خلوصی، ۱۳۹۸: ۱۱۰) در این تعریف، تربیت سیاسی سیر ادامه‌دار به سمت غایتی بر اساس فرهنگ جامعه تبیین می‌شود.

۳. فعالیتی منظم و مستمر برای شکوفاسازی استعدادهای مدیریتی و سیاسی فرد به منظور پذیرش مسئولیت و حضور در عرصه اداره جامعه و شیوه اندیشیدن و تحلیل مسائل برای پرورش انسان‌های آگاه، شایسته و متعهد برای هدایت و راهبری جامعه بشری و فراگردی است که از راه آن، افراد جامعه، نگرش‌ها و احساسات

مربوط به نظام سیاسی و نقش خود در آن را کسب می‌کنند. (ر.ک: عابدینی، و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۲۶)

نمونه این امر را در فرموده‌های امام خمینی علیه السلام می‌توان یافت:

سیاست به معنای اینکه جامعه را راه ببرد و هدایت کند به آنجایی که صلاح جامعه و صلاح افراد است. این در روایات ما برای نبی اکرم صلی الله علیه و آله با لفظ «سیاست» ثابت شده است. همانی که در قرآن صراط مستقیم گفته می‌شود و ما در نماز می‌گوییم: «اهدنا الصراط المستقیم» و از خدا می‌خواهیم که ملت و اجتماع و اشخاص را راه ببرد به یک صراط مستقیمی که از اینجا شروع می‌شود و به آخرت ختم می‌شود و الی الله است. این سیاست مختص به انبیاء و اولیاء است... (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۴۳۲/۱۳)

بنابراین چنان که ملاحظه می‌شود تربیت سیاسی روند مستمری است که امور خرد و کلان جامعه را در بر می‌گیرد در واقع نگرش‌ها در تربیت سیاسی و روش‌های به کار گرفته در آن در بستر فرهنگ و جامعه شناختی و تاریخ آن شکل می‌گیرد. تعالی یافتن انسان در این نقطه طبق غایت اجتماعی شاخص‌گذاری می‌شود. همچنین ظهور و بروز آن در حاکمیت جامعه نیز متبلور می‌شود.

تربیت سیاسی در اسلام ابعادی چندگانه دارد؛ در برخی از آیات به این ابعاد اشاره شده است (ر.ک: بقره: ۱۵۱؛ حدید: ۲۵) از موضوعات مهم در سیاست، بحث روابط خارجی است. مثلاً در آیه‌ای حفظ استقلال امت اسلامی و عدم سلطه کفار بر مسلمین ذکر شده است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء: ۱۴۱)؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است. این آیه شریفه را می‌توان مبتنی بر مبنایی دانست که خداوند حدود آن را بیان می‌کند و آن اینکه اسلام دین ارتباط است، اما برای این ارتباطات حدود گذاشته است. در ادامه به گستره این مبنا پرداخته می‌شود.

۲. گستره مبنای روابط خارجی در اسلام

در اسلام از همان ابتدا بر ارتباط با دیگر ملل و ادیان تأکید شده است. اگر چه در صدر اسلام کشور به معنای امروزی مرسوم نبوده، اما وجود اقوام و قبایل با ادیان مختلف و امپراطوری‌های بزرگ آن زمان مانند ایران و روم نسبت به حکومت نوپای اسلام، خارجی محسوب می‌شدند. این ارتباط به شکل‌های مختلفی در قرآن و سنت دیده می‌شود و مطرح شدن نوع ارتباطات نشان دهنده این است که دین اسلام برای رساندن پیام خدا به همه جهان با هر فرهنگ و قومیتی مرز نمی‌شناسد. از این رو در ادامه با ذکر ادله‌ای از قرآن و سنت مبنای روابط خارجی که در اسلام به رسمیت شناخته شده اشاره می‌شود.

۲.۱. ۱. ادله قرآنی مرتبط با مبنای روابط خارجی

۲.۱. ۱. ۱. ارتباط با یاد آوری نقاط مشترک:

در آیه ۶۴ آل عمران قدم اولیه بر ارتباط، دست گذاشتن بر مشترکات بیان شده است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ...» (آل عمران: ۶۴) بگو ای اهل کتاب، بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنیم، که جز خدای یکتا را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم، و برخی، برخی را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم. پس اگر از حق روی گردانند بگویید: شما گواه باشید که ما تسلیم فرمان خداوندیم.

برخی مفسران شأن نزول این آیه شریفه آن را درباره مسیحیان نجران نازل دانسته و برخی می‌گویند درباره یهودیان مدینه نازل شده است و برخی نیز اشاره می‌کنند درباره هر دو فرقه از اهل کتاب (یهود و نصاری) نازل شده است. (طبرسی، بی‌تا: ۲/

۶۹۳)

۲. ۱. ۲. محکومیت جنگ با بیگانه برای کسب ثروت و قدرت:

برای آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا...» (نساء: ۹۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون در راه خدا سفر می‌کنید [خوب] رسیدگی کنید و به کسی که نزد شما [اظهار] اسلام می‌کند، مگویید: «تو مؤمن نیستی» [تا بدین بهانه] متاع زندگی دنیا را بجویید، چرا که غنیمت‌های فراوان نزد خداست. برای این آیه شأن نزول‌های مختلفی نقل شده است، از جمله ابن عباس می‌گوید:

مردی در میان قومی مسلمان شده بود؛ وقتی که اصحاب رسول خدا با آن قوم به جنگ پرداختند، آن‌ها فرار کردند و این مرد که مسلمان بود، توقف کرد و فرار نمود و به آنان به رسم مسلمانان تحیت و درود فرستاد که از وی صرف نظر کنند ولی بعضی از آن‌ها بر او شوریدند. (ر.ک: طوسی، بی‌تا: ۲۹۸/۳)

مجموع شأن نزول‌ها، حکایتی نزدیک به هم دارد و آن اینکه تمیز دهید بین کافر و مسلمان حقیقی و ظاهری را و بدون تفتیش و تحقیق به مجرد گمان آنکه اسلام کسی حقیقی نیست او را نکشید و تکفیر نکنید و این اظهار او را بر آنکه برای ترس یا سایر اغراض دنیوی است، حمل نکنید. (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۲/۱۰۴)

چنان‌که در آیات مذکور ملاحظه می‌شود اصل بر قطع رابطه نیست، بلکه نه تنها شیوه ایجاد رابطه را اشاره می‌کند حدّ و حدود این روابط نیز برای مسلمانان بیان شده است.

۲. ۲. سیره نبوی در مبنای روابط خارجی

پیمان‌نامه‌هایی که پیامبر ﷺ با گروه‌ها، احزاب و پیروان ادیان بستند و نامه‌هایی که به بلاد دیگر می‌فرستادند، از دیگر ادله‌ای است که می‌تواند این مبنا را در اسلام

تأیید نماید. بعد از ظهور اسلام در سال‌های اولیّه بعثت، پیامبر اکرم ﷺ جهت دعوت افراد و گروه‌ها به اسلام از عهد و پیمان استفاده می‌نمودند. مهم‌ترین نمونه آن را می‌توان پیمان عقبه اولی و عقبه ثانی نام برد. (ر.ک: ابن الجوزی، ۱۴۱۲: ۳/۳۳)

همچنین نخستین سالی که پیامبر گرامی اسلام وارد شهر مدینه شد، برای پایان‌دادن به تمام دسته‌بندی‌ها و اختلاف‌های داخلی، یک سند زنده و منشور محکمی برای مدینه و حومه آن تنظیم فرمود. اوسیان و خزرجیان عموماً و یهودیان این دو قبیله خصوصاً متعهد شدند که از منطقه مدینه دفاع کنند. (سبحانی، ۱۳۸۵: ۶۳۴) از این رو پیمان با مسلمانان و یهودیان بر ایجاد وحدت سیاسی در قلمرو حکومت می‌افزود.

یکی دیگر از پیمان‌های عصر پیامبر ﷺ صلح حدیبیه است که در سال ششم هجری رخ داد. این پیمان بین مسلمانان و مشرکان مکه به هدف تأمین امنیت و صلح در شبه جزیره عربستان منعقد گردید. (سلیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۸) نیز می‌توان از قرارداد «مهادنه» نام برد که در اصطلاح فقه سیاسی اسلام، به قراردادی گفته می‌شود که بین «دار الاسلام» و «دار الکفر» برای مدّت معینی جهت برقراری آتش بس و یا اجتناب از جنگ منعقد می‌گردد. مانند مهادنه ای که در غزوه «ذوالعشیره» رخ داد. (عمید زنجانی، ۱۴۲۱: ۳/۲۸۷؛ محدّث قمی، ۱۳۷۹: ۱/۱۴۶)

از سوی دیگر فرستادن نامه‌ها به مناطق یا بلاد یا ممالک مختلف، همگی بیانگر عرفی فراتر از عرف منطقه خاصّ می‌باشد. از سوی دیگر پراکندگی جمعیت در سراسر جهان را در گذشته را می‌توان این‌گونه دریافت که هر جا آبادی بوده به حسب طبع اجتماعی انسان دارای تشکیلاتی اجتماعی بوده که ساده‌ترین آن‌ها قبیله و طایفه است. ارسال نامه‌ها از سوی پیامبر ﷺ حتی به دورترین قبایل و به رؤسای آن‌ها به معنی پذیرش واحد سیاسی بوده است. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۵: ۴۲)

همان طور که از سیره رسول گرامی اسلام ۹ بر می‌آید ارتباطات جهان اسلام در قالب‌های مختلفی اعم از معاهده و مهاده و حتی قرار داد با اهل ذمه، نامه‌ها و ... شکل گرفت و محتوای غنی اسلام در اثر این تعامل سبب گرایش بسیاری به این آیین نجاتبخش بود. بنابراین با توجه به رویکرد آیات و سیره نبوی می‌توان گفت این ارتباطات هدفمند و حساب شده بوده و سیر تربیتی پیامبر اسلام بر مبنای ارتباط، عملاً اجرا می‌شده است.

۳. اصول و روش‌های تربیتی در آیات نخست سوره ممتحنه

سوره ممتحنه دارای ۱۳ آیه از سوره‌های مدنی و به معانی امتحان و مودت هم گفته شده است. (طبرسی، بی تا: ۲۴ / ۳۵۲) به طور کلی یاد آوری رستاخیز، مقررات سیاست خارجی، مقررات جنگ و صلح، مقررات هجرت و بیعت، پیرامون زنان مهاجر و آمایش و امتحان آن‌ها و احکام دیگری می‌پردازد. (رضایی اصفهانی، ۲۰: ۳۱۱ / ۱۳۸۸)

در شأن نزول آیه ابتدای این سوره نقلی است که شیعه و سنی بر آن صحه می‌گذارند و مفسران زیادی آن را در تفاسیر خود ذکر نموده‌اند که بعضی از مؤمنین مهاجر در خفا با مشرکین مکه رابطه دوستی داشته‌اند، و انگیزه‌شان در این دوستی جلب حمایت آنان از ارحام و فرزندان خود بوده، که هنوز در مکه مانده بودند؛ این آیات نازل شد و ایشان را از این عمل نهی کرد. (ر.ک: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۴ / ۲۹۸؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۱ / ۴۴۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۹ / ۲۹۱؛ طبرسی، بی تا: ۲۴ / ۳۵۷) آنچه در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود اصول تربیت سیاسی است که از آیات یکم تا نهم این سوره دریافت می‌شود و تلاش بر این است که علاوه بر اصول، روش‌های تربیتی متناسب با آن اصل نیز مورد بررسی قرار گیرد.

۳. ۱. اصل پرهیز از دوستی و اعتماد به دشمنان خدا

در ابتدای سوره ممتحنه خداوند هشدار می‌دهد که دشمن خدا و دشمن خودتان را دوست قرار ندهید: «لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ...» (ممتحنه: ۱)

مگر دشمن چه ویژگی دارد که این هشدار تند و صریح در قرآن کریم خطاب به مسلمانان وارد شده است؟ در شأن نزول آیه آمده است:

حاطب بن ابی بلتعنه از مسلمانان معروف که در جنگ بدر و بیعت رضوان شرکت کرده بود. او نامه‌ای نوشت و برای مشرکین مکه فرستاد و در آن از اینکه رسول خدا ﷺ تصمیم دارد مکه را فتح کند به ایشان گزارش داد، و منظورش این بود که منتهی بر آنان گذاشته و بدین وسیله ارحام و اولادش را که در مکه داشت از خطر مشرکین حفظ کرده باشد. خدای تعالی این جریان را به پیامبر گرامی‌اش خبر داد و این آیات را فرستاد. (ر.ک: طبرسی، بی‌تا: ۲۴/۳۵۷)

نگاه تربیتی به این پرهیز «لَا تَتَّخِذُوا...» در آیه شریفه نشان می‌دهد برای رسیدن به غایت و بودن در مسیر تربیت، باید از آنچه که مضر به غایت است، پرهیز کرد. قدم اول در مبانی دینی، توحید باوری و توحید پروری است و هرآنچه مخالف این جریان باشد امر ضد تربیتی به حساب می‌آید. آنچه از آیه اول سوره بر می‌آید به خاطر این است که کار دشمن، دشمنی کردن است، یعنی مخالف فرمان خدای متعال حرکت کردن.

وقتی جریان عمل و افکار و نیات، خلاف مقصد خدا باشد دیگر چه انگیزه‌ای بر تدوام ارتباط با دشمن وجود دارد جز انگیزه‌های نفسانی و شخصی؟! در این آیه حتی اشاره نموده که علاوه بر دشمن خدا دشمن خودتان را دوست نگیرید، زیرا مؤمنین به خدا ایمان آورده بودند و مال و جان خود را در راه خدا فدا می‌کردند و معلوم است کسانی که با خدا دشمنی دارند، با مؤمنین هم دشمن خواهند بود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹/۳۸۸)

پس کسی که با خدا دشمنی دارد با مؤمن به خدا هم دشمن است. حال، این دشمن کیست؟ بنا به اذعان مفسران، کفار و مشرکینی هستند که برای خدا شریک قائل‌اند. (طباطبایی، همان؛ طبرسی، بی تا: ۲۴ / ۳۵۹) اسلام با عقل و نقل، وحدانیت خدا را ثابت نموده و شرک را نفی می‌کند.

همچنین خدا برای اینکه دید روشنی به اهل ایمان در زمینه عدم دوستی با مشرکین دهد، عملکرد آن‌ها را به تصویر می‌کشد: «... يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ...» (ممتحنه: ۱)

رسول خدا ﷺ و شما مؤمنان را به جرم ایمان به خدا از وطن خود آواره می‌کنند. از نظر مشرکین، مسلمانان مجرم و جرم آن‌ها ایمان به پروردگار است. در واقع نه تنها به تفاوت در باورها هشدار می‌دهد، بلکه کارهایی برخاسته از این باورها را نیز یادآور می‌شود. این به متریان امر سیاست، چه می‌آموزد جز دوری از دشمن خدا؟! حتی اگر فراتر از آن بنگریم در خود آیه علت عملکرد مشرکان بر نفی ربوبیت خدا است. ربوبیت نزدیک‌ترین صفات خدا به انسان است، زیرا عنایتی که خدای تعالی در تربیت او دارد، بیش از سایر مخلوقات است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۶۸۸)

نبردها و درگیری‌های معمولی انبیا با طاغوت‌های زمان یا با امت‌هایشان، بر سر پذیرش ربوبیت خداوند بوده، و انبیا می‌کوشیدند که بشریت زیر بار نظام جهان شمول الهی رفته و زندگی خود را با فرامین همه‌جاگیر او تطبیق دهد. (عسکری، ۱۳۸۲: ۱ / ۸۶)

از این رو اصل پرهیز از دوستی با دشمن خدا برپاست و نمی‌توان به بهانه منافع شخصی با دشمن خدا طرح دوستی ریخت. پس اگر به راستی دم از دوستی خدا می‌زنید و به خاطر او از شهر و دیار خود هجرت کرده‌اید و طالب جهاد فی سبیل اللّٰه و جلب رضای او هستید این مطلب با دوستی دشمنان خدا

سازگار نیست که مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می‌سازید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲/۲۴)

در حالی که خداوند به نهان و آشکار انسان آگاه است، آیا او می‌تواند خارج از دایره حاکمیت خداوند قدم بگذارد؟ بنابراین این اصل نشان‌دهنده تعیین موضع مسلمانان در مقابل دشمن است که در خفا و آشکار بر این امر ثابت قدم باشند.

۳. ۱. ۱. روش پیاده‌سازی اصل

روش‌های تربیتی برای پیاده‌سازی اصول تربیتی دو گونه عام و خاص هستند. روش‌های عام مانند پرسش و استفهام، قصه و داستان، ارائه علامت و نشانه، مقایسه اعمال، تلقین نفس، تشبیه و تمثیل، روش‌های تمهیدی (محبت، همشینی و ...)، موعظه و نصیحت. روش‌های خاص دو گونه اصلی هستند روش‌های ایجابی (مانند تربیت الگویی، تبشیر، تشویق) و اصلاحی (مانند انذار). (ر. ک: حاجی ده‌آبادی، بی‌تا: ۸۹-۸۱) با توجه به روش‌های پیاده‌سازی اصول تربیتی در کتاب‌های تألیفی در موضوع نظام تعلیم و تربیت اسلامی مانند آثار علیرضا اعرافی، مهم‌ترین روش‌های تربیتی در این زمینه عبارت است از:

۱. روش شناختی که دشمن و اهداف و عملکرد او را بشناسد، این معرفت‌یابی می‌تواند نقش مهمی در بصیرت سیاسی افراد داشته باشد؛
۲. روش تقویت مهارت‌های ارتباط جمعی با رویکرد خردگرایی به کار گرفته شود؛
۳. روش انذار در دوستی با دشمن و تبیین پیامد رفتار افراد جامعه در این نوع ارتباط.

۳.۲. اصل عدم اعتماد به دشمن با تدبیر هوشمندانه و مدبرانه

یکی دیگر از کارهای دشمن این است اگر بر مسمانان مسلط شوند دست و زبان خود را به بدی بر آنان می‌گشایند و دوست دارند آنان به کفر بازگردند، همان طور که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنْ يَتَّقُوا لَكُمْ أَغْدَاءَ وَ يَسْطُورُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالسُّوءِ وَ وُدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ» (ممتحنه: ۲).

اگر آن‌ها بر شما مسلط شوند دست و زبان خود را به بدی بر شما می‌گشایند و دوست دارند شما به کفر بازگردید. «ثقف» به معنای تیز هوشی و زیرکی در ادراک و فهم است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱/۳۵۷) همچنین به معنی پیدا کردن و مصادف شدن نیز می‌باشد. (قریشی، ۱۳۷۱: ۱/۳۰۷) در آیه به معنی این است که اگر کفار دست یابند و مسلط شوند دشمنی خود را آشکار می‌کنند اعم از قتل، ضرب، شامت، ملامت و... بدون اینکه دوستی‌های مؤمنین تغییری در دشمنی آن‌ها داده باشد. (طبرانی، ۲۰۰۸م: ۶/۲۵۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹/۳۹۱)

این نیز یکی از پیامدهای دوستی با دشمن است. خدا نمی‌خواهد مسلمانان با کارهایشان زمینه تسلط دشمن را بر جامعه اسلامی فراهم آورند. از این رو در اینجا اصل بر عدم ارتباط نیست، بلکه منع دوستی و اعتماد به دشمن و فراهم نکردن زمینه سلطه دشمن است. علاوه بر این آیه، آیات دیگری نیز بر عدم اعتماد به دشمن اشاره نموده‌اند. (ر.ک: نساء: ۱۴۱؛ هود: ۱۱۳) در واقع توجه دادن قرآن به پیامدهای حاصل از ارتباط با دشمن می‌طلبد که در روابط خارجی بسیار هوشمندانه وارد شد که بستر نفوذ دشمن را فراهم نکند، همان طور که در آیه هم اشاره شد که با دست و زبان ضرر می‌زنند، یعنی دشمن سلطه فیزیکی و فرهنگی را دنبال می‌کند تا به هدف خود برسد.

در جریانات سیاسی روز جهان گاهی با عملیات رسانه‌ای و تبلیغات علیه کشوری تلاش می‌کنند حاکمیت کشوری را برای خود به خضوع درآورده و سکان

دست اندازی به کشور را در دست گیرد. این حکایتی است که استعمارگران سال‌ها در کشورهای ضعیف دنبال می‌کنند. نمونه آن را مقام معظم رهبری در بیاناتشان هشدار می‌دهند:

هر فردی و هر جریانی که برای اسلام و به نام اسلام کار می‌کند، اگر به آمریکا اعتماد کرد، خطای بزرگی مرتکب شده و سیلی اش را خواهد خورد، کما اینکه خوردند. در همین چند سال اخیر جریان‌های اسلامی، به خاطر مصلحت‌اندیشی، به خاطر عقل سیاسی، اسمش را می‌گذارند عقل، به خاطر تاکتیک که می‌گفتند این حرکت تاکتیکی است، با آمریکایی‌ها رفیق شدند، به آن‌ها اعتماد کردند، چوبش را خوردند، سیلی اش را خوردند و حالا دارند مصیبت‌هایش را تحمل می‌کنند. هرکسی با نام اسلام در جهت اسلام حرکت می‌کند، اگر به آمریکا اعتماد بکند، خطای بزرگی مرتکب شده است. (حسینی خامنه ای، ۱۴/۳/۱۳۹۵)

از این رو بصیرت‌زایی آیه دوم سوره ممتحنه، بر شناخت درست از پیامد اعتماد به دشمن ما را به این اصل رهنمون می‌کند که از شرّ دشمن ایمن نباشیم و هوشیاری و درایت لازم به کار گرفته شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «از دشمن، حتی اگر زبان به ستایش گشود، مطمئن و در امان مباش. دشمن مانند آب است که اگر چه با حرارت گرم می‌شود، ولی سرانجام سرد می‌شود». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۴۵) از این رو هر جا نقطه ضعف جامعه اسلامی مبرهن شد، دشمن ضربه زد. لذا عنصر هوشمندی در این ناعتماد سازی، آنجا به کار می‌آید که ضربه‌گیر دشمن در چالش‌های ارتباطی با بیگانه است.

۳. ۲. ۱. روش پیاده سازی اصل

با توجه به روش‌های پیاده سازی اصول تربیتی در کتاب‌های تألیفی در موضوع نظام تعلیم و تربیت اسلامی مانند آثار علیرضا اعرافی، مهم‌ترین راهبرد و روش‌های تربیتی عبارت است از:

۱. تذکر الگوی استقلال و یادآوری لذت روی پای خود بودن به جای تکیه و اعتماد به دشمن؛
۲. عبرت گرفتن از تجربه اعتماد به دشمن چه این عبرت حاصل تجربه عملکرد معاصر در ارتباط با دشمن است و چه حاصل تجربه تاریخی است که برای هر عصر و نسلی به یادگار مانده است؛
۳. تقویت ظرفیت داخلی جامعه اسلامی و اتکا به داخل در زمینه نظامی و فرهنگی، اقتصادی و... که به عنوان ضد حمله در جنگ‌های سخت و نرم و عملیات‌های روانی باشد.

۳. ۳. اصل عدم ترجیح منافع شخصی بر مصالح جامعه اسلامی

در ادامه مذمت کار حاطب بن ابی بلتعنه آیه سوم سوره ممتحنه اشاره دارد به اینکه هرگز بستگان و فرزندانتان روز قیامت سودی به حالتان نخواهند داشت؛ میان شما جدایی می‌افکند و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست: «لَنْ تَنْفَعَكُم أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ». (ممتحنه: ۳)

«حاطب» با ارسال نامه به مشرکان مکه می‌خواست زن و فرزند خود را حفظ کند، غافل از اینکه با این عملش به پیامبر خدا و مؤمنین خیانت می‌کرد و جامعه اسلامی را در معرض خطری بزرگ قرار می‌داد. (ر.ک: طبرسی، بی‌تا: ۲۴ / ۳۶۲؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۷۰ / ۵)

نشان دادن اثر اعمال در قیامت شاهد دیگری است بر اینکه ارتباط با دشمن دامنه‌اش بس سهمگین و پرمخاطره است. اگر در این دنیا به خاطر مصالح شخصی که حمایت از خویشان است قدمی برداشتید در حقیقت مسیر تسلط دشمن را هموار کردید و خشم خدا را در دنیا و آخرت بر خود خریدید. (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۱۹/۳۹۴)

نکته دیگر اینکه در اسلام منافع اجتماعی و منافع فردی هر دو مورد توجه بوده، به طوری که گاهی تفکیک هر کدام از دیگری مشکل است، اما هنگام تراحم و تعارض این دو منفعت کدامیک مقدم است؟ در واقع قاعده تراحم می‌گوید باید اهمّ و مهمّ را رعایت نمود. از آنجا که اسلام، توجه و اهتمام خاصی به اجتماع دارد و هنگام تراحم مصلحت جمع با مصلحت فرد، مصلحت جمع را ترجیح می‌دهد. (ر.ک: دانش پژوه، ۱۳۹۰: ۱۲۶؛ گلستانی، ۱۳۸۳)

همچنین وجود نظام جبران در اسلام تعبیه شده، زیرا فردی که منافع فردی خود را قربانی منافع جامعه کند، چندین برابر آن را در عالم آخرت از خدا دریافت می‌کند و آیات مربوط به ایثار و انفاق و مال و جان به خوبی از آن حکایت می‌کند. (همان) از سوی دیگر در نگاه دنیوی نیز اگر منافع جامعه اسلامی تأمین شود، منافع افراد آن نیز در ضمن آن تأمین و مدیریت می‌شود. بنابراین عدم تدبیر حبّ ذات آدمی در منفعت طلبی، جلوه‌ای نامطلوب در تربیت سیاسی او دارد؛ چه بسا به بهانه منفعت‌های شخصی نه صرفاً همکاری با دشمن، آب به آسیاب دشمن بریزد و در پیشروی دشمن کمک دهنده باشد.

نمونه این عملکرد را در بیانات امام خمینی علیه السلام در نقد عملکرد مجاهدین خلق می‌توان دید:

این اشخاص منحرفی که در داخل و خارج شیطنتهایی می‌خواهند بکنند بسیار ابله هستند! این‌ها عقلشان را از دست داده اند. حبّ مقام و جاه این‌ها را اصلاً نابینا کرده، بصیرتشان را از آن‌ها گرفته. این‌ها نمی‌دانند که در یک

کشوری که وضعیتش این طوری است، در یک کشوری که همه مردمش فریاد می‌زنند و جنگ می‌روند و عشق به فداکاری دارند، در یک همچو کشوری نمی‌شود از این کارها کرد، نمی‌شود با این کشور معارضه کرد، نمی‌شود در این کشور کودتا کرد.... این‌ها اشتباهشان همه‌اش این است که نه قدرت اسلام را این‌ها می‌توانند بفهمند، و نه ملت خودشان را شناخته‌اند. از این جهت، خارج و داخل توطئه‌های بچه گانه، توطئه‌های ابلهانه، به خیال خودشان درست می‌کنند. در هر رشته‌ای که بخواهند توطئه بکنند، نمی‌دانند که چشم‌های بینای این کشور به همه کارهای آن‌ها از صبح تا شبشان نظارت دارد. نمی‌فهمند این مسائل را این‌ها. از این جهت، خودشان را به مهلکه می‌اندازند؛ بچه‌های عزیز ما را می‌خواهند گول بزنند. (امام خمینی، ۶۱/۱/۲۱)

۳.۱. روش پیاده سازی اصل

با توجه به روش‌های پیاده سازی اصول تربیتی در کتاب‌های تألیفی در موضوع نظام تعلیم و تربیت اسلامی مانند آثار علیرضا اعرافی، مهم‌ترین روش‌های تربیتی این اصل عبارت است از:

۱. شناخت اولویّت‌های اجتماعی و درک میزان اهمّیت آن بر منافع فردی؛
۲. مقایسه منفعت‌گرایی شخصی با اجتماعی از نظر سود دهی در دنیا و آخرت؛
۳. به کار بردن قاعده راجح بر مرجوح در رفتار که در اینجا به خاطر منافع شخصی اقدامی علیه جامعه اسلامی نکنند و اولویت اجتماعی جامعه را بر نفع شخصی به خطر نیندازند.

۳.۴. اصل اسوه‌پذیری در روابط خارجی

«اسوه» حالتی است که انسان به هنگام پیروی از غیر خود پیدا می‌کند و مربی باید حالات مطلوب متری را که عملاً در وجود کسی آشکار شده، نشان دهد. البته

نخست سزاوار است در وجود خود مرتبی اسوه نیکو برای متربی باشد. (ر.ک: باقری،

۱۳۹۹: ۱۴۴)

انبیا و معصومین علیهم السلام و شخصیت‌های تاریخی، همگی می‌توانند الگوهای عملی در این زمینه به حساب آیند. در آیه سوم سوره ممتحنه هم به این اصل اشاره شده و هم مصداق عملی آن ذکر شده است. «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُاؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ...».

برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرک) خود گفتند: «ما از شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید بیزاریم؛ ما نسبت به شما کافریم...».

جهاد حضرت ابراهیم در اثبات و تثبیت توحید در ربوبیت به معنای تنها قانونگذار نظام هستی برای جامعه نمرودی، خورشیدپرست، ستاره‌پرست و... نقطه عطفی در حرکت فکری و تربیت سیاسی به حساب می‌آید. حضرت ابراهیم ۷ از گمراهان و کافران زمان خود کناره نگرفت به این هدف که آن‌ها را در زندگی خود حذف کند، بلکه در تعامل با آن‌ها مسیر درست را به آن‌ها شناساند و خطاهای فکری را با استدلال و منطق حکیمانه به آن‌ها یادآور شد. (ر.ک: انعام: ۷۸-۷۵)

همچنین طاغوت آن زمان نمرود، ادعای خدایی داشت و اندیشه‌ها و نظام اجتماعی را با این فکر غلط پیش می‌برد و می‌خواست آن را با پوششی گمراه‌کننده، مستور کند، خطاب به حضرت ابراهیم گفت: اگر ربوبیت از آن کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند، من نیز زنده می‌کنم و می‌میرانم! دستور داد زندانی محکوم به اعدامی را آوردند و آزادش کرد، و انسان بی‌گناهی را که می‌گذشت گرفته و اعدامش نمود، و با این کار اطرافیان مترف خود را به شبهه انداخت.

ابراهیم علیه السلام به جای جدال در معنای میراندن و زنده کردن، به احتجاج درباره موضوعی محسوس و دلیلی آشکار پرداخت تا ادعای این طاغوت را از ریشه برکند

و گفت: پروردگار من خورشید را از مشرق می‌آورد، تو هم اگر پروردگار هستی، این نظام را تغییر ده، و خورشید را از مغرب بیاور؛ که آن مرد کافر مبهوت و وامانده شد. شرک طاغوت زمان ابراهیم علیه السلام از نوع شرک طاغوت عصر موسی علیه السلام بود؛ هر دو ادعای ربوبیت کردند، یعنی هر دو می‌گفتند حقّ قانونگذاری در نظام زندگی بشر را دارند. (عسکری، ۱۳۷۸: ۱/۳۱۴)

این حقّ در ربوبیت تشریحی الهی نهفته شده است، پایه و اساس هر نظام سیاسی در بن بشر است که حقّ حاکمیت و قانونگذاری از آن خداست، لذا ذکر قصّه‌های قرآن برای ثبت تاریخ نیست، بلکه جریان هدایتگری اجتماعی و فردی را در خود دارد. علاوه بر آن، حضرت ابراهیم، خلیل الله است یعنی با دوستان خدا، دوست و با دشمنان خدا دشمن است. (طبرسی، بی تا: ۶/۶۸)

سیاق آیه سوم سوره ممتحنه بر همین نکته تأکید دارد، یعنی دوستی با خدا و ترک موالات و دوستی با کفار و تبری از آنهاست. (طبرسی، همان: ۲۴/۳۶۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۸/۵۶؛ رازی، ۱۴۰۸: ۱۵۶) نه تنها حضرت ابراهیم بلکه خاتم پیامبران نیز اسوه حسنه برای خلق معرفی شدند، همان‌گونه که خدا در آیه «قَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱) آنها را الگوهای عینی و همه‌جانبه در زندگی معرفی می‌کند.

۳.۴.۱. روش پیاده‌سازی اصل

با توجه به روش‌های پیاده‌سازی اصول تربیتی در کتاب‌های تألیفی در موضوع نظام تعلیم و تربیت اسلامی مانند آثار علیرضا اعرافی، مهم‌ترین راهبرد و روش‌های تربیتی که می‌توان بیان کرد، عبارت‌اند از:

۱. الگوهای نیک در تربیت سیاسی شناخته و معرفی شوند؛
۲. رفتار و کردار خود را مطابق با اسوه جهت دهد؛

۳. تأمل و تدبّر در سیره و منش سیاسی اولیاء خدا به جای تقلیدپذیری صرف لازم است.

۵. اصل همراهی معنویت و سیاست در روابط خارجی

چنان‌که اشاره شد سیاست در اسلام امری جدا نشدنی از دین است و آیات فراوانی از قرآن و سیره معصومین علیهم‌السلام بر این مسئله دلالت دارد. از این رو، تربیت سیاسی جدای از تربیت دینی نیست. نگاه معنوی نیز که بیشتر به اخلاق مداری و عرفان تعبیر می‌شود نیز با سیاست در ارتباط است. پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در عین اینکه رهبر معنوی جامعه بودند رهبر سیاسی و حاکم اسلامی به شمار می‌رفتند. از این رو دعوت به توحید و خداپرستی جزء اولین حرکت‌های سیاسی انبیا بوده است.

در سوره ممتحنه این اصل در سیاق‌های آیات به گونه‌های مختلفی بیان شده است؛ آنجا که خدا را بصیر معرفی می‌کند که بر احوال همه در خفا و آشکار آگاه است؛ یعنی در آنجایی که اقدام و رابطه فرد با دشمن، سبب تسلط بر مسلمین شود: «... وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (ممتحنه: ۳)

همچنین توکل به خدا و توبه و بازگشت به سوی او مطرح شده است؛ «رَبَّنَا عَلَيكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْتَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» (ممتحنه: ۴)

بعد از آنکه اعلام بیزاری حضرت ابراهیم علیه‌السلام از مشرکین و کفار به صراحت و قاطعیت بیان شد، مخصوصاً در زمانی که آن‌ها از قدرت ظاهری برخوردارند. از این رو توکل بر ذات او، و دیگر توبه و بازگشت به سوی او و سپس توجه به این حقیقت که رجوع نهایی همه چیز به سوی اوست که علت و معلول یکدیگرند، ایمان به معاد و بازگشت نهایی سبب توبه می‌گردد و توبه روح توکل را در انسان زنده می‌کند. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۱ و ۲۴)

دعا کردن و درخواست از خداوند نیز از امور معنوی است که با سیاست پیوند می‌خورد. آیه پنجم سوره ممتحنه را می‌توان از دعاهای سیاسی قرآن دانست: «رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفُ رَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ».

این دعای حضرت ابراهیم و مؤمنین است که از خدا می‌خواهند از آثار سوء تبریشان از کفار پناهشان دهد و ایشان را بیمارزد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹/۳۹۸) در معنای این دعا تعبیر مختلفی در نگاه مفسران بیان شده است:

- ما را گرفتار کفار نفرما که ما را اذیت کنند.
- ما را به بلاهای آنها مبتلا نفرما تا نگویند اگر اینها بر حق بودند مبتلا نمی‌شدند.
- آنها را مسلط بر ما مفرما که بخواهند دین ما را از ما سلب کنند.
- توفیق صبر بما عنایت فرما که بر اذیت و آزار آنها صبر کنیم و تحمّل نماییم.
- اینکه ما را حفظ فرما که با آنها دوستی و مودت پیدا نکنیم.
- در محاربه و معارضه با آنها ما را مخذول و منکوب مفرما. (طیب، ۱۳۶۹: ۴۹۴/۱۲)

۳.۵. ۱. روش پیاده سازی اصل

با توجه به روش‌های پیاده سازی اصول تربیتی در کتاب‌های تألیفی در موضوع نظام تعلیم و تربیت اسلامی مانند آثار علیرضا اعرافی، مهم‌ترین راهبردها و روش‌های تربیتی عبارت‌اند از:

۱. دعا کردن و توکل به خدا در عین حرکت به سوی فعل است؛
۲. تقویت بینش در توحید و معاد بر نوع و هدف رابطه نیز اثرگذار است؛
۳. اقناع عقلی نیز روشی است که در آن قوه فکری متربی برای انتخاب مسیر درست و در نظر گرفتن جنبه‌های آن به کار می‌آید، زیرا متربی در این صورت نسبت به واقعیت‌ها و چالش‌های ارتباط خارجی به تأمل و تدبیر وادار می‌شود.

۳.۶. اصل جذب و جلب در روابط خارجی

در اسلام همیشه روابط خارجی جنبه سلبی نداشته، بلکه ابعاد ایجابی آن نیز فراوان است. یکی از این ابعاد در قالب اصل جذب و جلب مطرح شده است، بدین معنا که در جایی که روابط خصمانه و دشمنی در کار نباشد رأفت اسلامی و مودت و دوستی فراگیر است. نمونه آن را در آیه هشتم و نهم سوره ممتحنه می‌توان دید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّا اللَّهُ يَحِبُّ الْمُقْسِطِينَ». (ممتحنه: ۸)

خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد.

در این آیه شریفه که حدود این ارتباطات را مشخص می‌کند، ابتدا تعامل مشروط را که باید با کسانی باشد که با شما سرچنگ و نزاع ندارند، مطرح نموده که همان گزینه ایجابی است. بعضی از مفسران در مورد آیه هشتم روایت کرده‌اند که همسر مطلقه ابوبکر مشرک بود. برای دخترش اسماء هدایایی از مکه آورد. اسماء از پذیرش آن امتناع کرد و حتی اجازه ورود به مادرش نداد، آیه فوق نازل شد و پیامبر ﷺ به او دستور داد مادرش را بپذیرد و هدیه‌اش را قبول کند و او را مورد اکرام و احسان قرار دهد. (رسعی، ۱۴۲۹: ۸/ ۸۸؛ فیض کاشانی، بی‌تا: ۵/ ۱۶۴) برخی دیگر بیان می‌کنند این آیه مربوط به کسانی است که با پیامبر پیمان بسته بودند که با او کارزار نکنند و کسی را علیه پیامبر ﷺ یاری نکنند. (ر.ک: رازی، ۱۴۰۸: ۱۹/ ۱۶۱؛ طباطبایی، ۱۳۷۱: ۱۹/ ۳۹۹)

نکته دیگر که اصل جذب و جلب را تقویت می‌کند رفتاری است که خداوند از مسلمانان می‌خواهد با غیر مسلمانان داشته باشند:

۱. اَنْ تَبْرَوْهُمْ: به ایشان نیکی کنید؛ جنبه نیکی کردن بسیار گسترده است، لذا سوبه‌های مختلف فرهنگی اقتصادی و ... را در بر می‌گیرد.

۲. وَ تَقْسَطُوا لِيَهُمْ: عدالت ورزید و به ایشان ظلم نکنید. به تعبیر تفسیر «منهج الصادقین» این عمل موجب تألیف قلوب ایشان شود و سبب تشویق ایشان به ایمان می‌گردد. (فیض کاشانی، بی تا: ۹/۲۴۹)

به هر صورت ظاهر آیه نشان می‌دهد حکم آن عام است (همان) گروه خاصی را در بر نمی‌گیرد مگر مواردی که در آیه نهم هشدار داده ترک شود؛ «إِنَّمَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ». (ممتحنه: ۹)

فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که در [کار] دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانده و در بیرون‌راندنتان با یکدیگر هم‌پشتی کرده‌اند. و هر کس آنان را به دوستی گیرد، آنان همان ستمگران‌اند. این اصل در سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی نیز در نظر گرفته شده است:

تقویت روابط سازنده با کشورهای غیر متخاصم، پرهیز از تشنج در روابط با کشورها، حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف به‌ویژه ملت فلسطین، بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان ملی، تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی و ... (سیاست‌های کلی نظام، تصویب ۵/۹/۱۳۸۵)

۳. ۱. ۶. ۱. روش پیاده‌سازی اصل

با توجه به روش‌های پیاده‌سازی اصول تربیتی در کتاب‌های تألیفی در موضوع نظام تعلیم و تربیت اسلامی مانند آثار علیرضا اعرافی، مهم‌ترین راهبرد و روش‌های تربیتی این اصل عبارت‌اند از:

۱. شناخت مخاطب و شناخت شیوه‌های ارتباطات اجتماعی؛

۲. ظاهرسازی پسندیده با گفتار خوب و رفتار نیک قدم اول در ارتباط و تدوام
 رابطه است؛

۳. مدارا نمودن در گفتار و رفتار که کمک می‌کند مخالف، رفتار و منش مسلمان
 را ببیند و از پیش داوری پرهیز نموده و حتی با تعالیم اسلام آشنا شده و زمینه گرایش
 او را فراهم آورد.

نتیجه:

«تربیت سیاسی»، تربیتی برای رساندن جامعه به رشد و تعالی است که همه
 ارزش‌های انسانی و اجتماعی به ظهور و بروز برسد و حکومت الهی به معنای واقعی
 در بین مردم جاری و ساری گردد. در این پژوهش در ابتدا با ذکر ادله آیات و روایات
 مبنای روابط خارجی در اسلام اثبات شد، سپس با تدبیر و تأمل در آیات اول تا نهم
 سوره ممتحنه تلاش شد مهم‌ترین اصول در روابط خارجی جامعه اسلامی بیان شود
 که به هر یک از این اصول و روش‌های تربیتی آن اشاره می‌شود:

برخی روش‌ها و راهبردها	اصل	
۱. شناخت دشمن و اهداف و عملکرد او ۲. تقویت مهارت‌های ارتباط جمعی با رویکرد خردگرایی	اصل پرهیز از دوستی و اعتماد به دشمنان خدا	۱
۱. تذکر الگوی استقلال و یادآوری لذت روی پای خود بودن به جای تکیه و اعتماد به دشمن ۲. عبرت گرفتن از تجربه اعتماد به دشمن	اصل عدم اعتماد به دشمن با تدبیر هوشمندانه و مدبرانه	۲
۱. شناخت اولویتهای اجتماعی و میزان اهمیت آن بر منافع فردی ۲. به کاربردن قاعده راجح بر مرجوح یا اهم بر مهم ۳. مقایسه منفعت‌گرایی شخصی با اجتماعی از نظر سوددهی در دنیا و آخرت	اصل عدم ترجیح منافع شخصی بر مصالح جامعه اسلامی	۳

<p>۱. الگوهای نیک در تربیت سیاسی شناخته و معرفی شوند.</p> <p>۲. رفتار و کردار خود را مطابق با اسوه جهت دهد.</p> <p>۳. تأمل و تدبیر در سیره و منش سیاسی اولیاء خدا به جای تقلیدپذیری صرف لازم است.</p>	<p>۴ اصل اسوه‌پذیری در روابط خارجی</p>	<p>۴</p>
<p>۱. دعا کردن و توکل به خدا در عین حرکت</p> <p>۲. تقویت بینش در توحید و معاد بر نوع و هدف رابطه نیز اثرگذار است.</p> <p>۳. اقتناع عقلی نیز روشی است که در آن قوه فکری مرتبّی برای انتخاب مسیر درست و در نظر گرفتن جنبه‌های آن به کار می‌آید</p>	<p>۵ اصل همراهی معنویّت و سیاست در روابط خارجی</p>	<p>۵</p>
<p>۱. شناخت مخاطب و شناخت شیوه‌های ارتباطات اجتماعی</p> <p>۲. ظاهرسازی پسندیده با گفتار خوب و رفتار نیک قدم اول در ارتباط و تداوم ترابطه است.</p> <p>۳. مدارا نمودن در گفتار و رفتار که کمک می‌کند مخالف، رفتار و منش مسلمان را ببیند و از پیش‌داوری پرهیز نموده و حتی با تعالیم اسلام آشنا شده و زمینه‌گرایش او را فراهم آورد.</p>	<p>۶ اصل جذب و جلب در روابط خارجی</p>	<p>۶</p>

آنچه از این اصول و روش‌ها بر می‌آید این است که داشتن تعامل صحیح با جهان مستلزم شناخت آیین اسلام در ارتباطات بین‌المللی است و کاوش در منابع دین از جمله قرآن برای استنباط اصول و شاخص‌های این ارتباطات است، زیرا کشورهای اسلامی و شهروندان مسلمان جهت معرفی اسلام و نشان دادن، فرهنگ و احکام اسلام، مبارزه با ظلم و بیداد، نیازمند عمل به دستورات دین هستند تا بتوانند رشد سیاسی خود را افزایش داده و به هدف و غایت از تربیت سیاسی نایل آیند.

پیشنهاد و راهکار:

۱. تدریس «فقه التریبیه» در سطح چهار حوزه رونق بیشتری گیرد و دفتر پژوهش‌های تربیتی تأسیس گردد.
۲. اصول تربیت سیاسی در روابط خارجی در قالب نظام روابط خارجی اسلام از قرآن و سنت استنباط شده و روش‌های تربیتی متناسب با آن برای کشورهای اسلامی ارائه شود و خط مشی آنها را در تداوم روابط با جهان مشخص نماید.

منابع:

* قرآن کریم

- ابن الجوزی، أبو الفرج عبد الرحمن (۱۴۱۲)، *المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق: محمد عبد القادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة
- باقری، خسرو (۱۳۹۹)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات مدرسه.
- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰)، *تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰)، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دارالکتاب الاسلامی.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲)، *الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- حاجی ده آبادی، محمدعلی (بی‌تا)، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم: جامعه المصطفی علیه السلام العالمیة.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۵)، سیاست‌های کلی نظام (ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری).
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵)، بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۰)، بیانات در دیدار با دولت دوازدهم.
- خلوصی، محمد حسین (۱۳۹۸)، «فرایند تربیت سیاسی در نظام سیاسی»، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، ج ۴، تهران: آفتاب توسعه.
- دانش پژوه، مصطفی (۱۳۹۰)، مقدمه علم حقوق، ج ۴، تهران: سمت.
- داودی، محمد و مهدی فاضلی دهکردی (۱۳۹۳)، «بررسی اهداف تربیت سیاسی در قرآن با تأکید بر مبانی و اصول تربیتی»، دو فصلنامه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث ش ۲.
- رازی، حسین بن علی (ابوالفتح) (۱۴۰۸)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن (راغب اصفهانی)، تهران: انتشارات مرتضوی.
- رسعی، عبدالرزاق بن رزق‌الله (۱۴۲۹)، *رموز الكنوز فی تفسیر الكتاب العزیز*، مکه مکرمه: مكتبة الأسدی.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی (۱۳۸۸)، *تفسیر قرآن مهر*، ج ۲۰، قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

- سبحانی، جعفر (۱۳۸۵)، فروغ ابدیت تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم ﷺ، ج ۲۰، قم: بوستان کتاب.
- سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۹۱)، حقوق بین الملل اسلامی، قم: نشر المصطفی.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۵)، اسلام و حقوق بین الملل، تهران: گنج دانش.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، اردن: دارالکتب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن (بی تا)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ۲۷ جلد، تهران: فراهانی.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: [بی نا].
- عابدینی، روح الله و همکاران (۱۳۹۹)، «تربیت سیاسی از منظر قرآن کریم با رویکرد تدبیر سوره‌های روح الله»، دو فصلنامه علمی علوم اسلام از دیدگاه تربیتی، ش ۱۴.
- عسکری، سید مرتضی (۱۳۷۸)، عقاید اسلام در قرآن کریم، ترجمه محمد جواد کرمی، تهران: [بی نا]..
- عسکری، سید مرتضی (۱۳۸۲)، نقش ائمه علیهم السلام در احیای دین، ج ۱، تهران: [بی نا].

- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۴۲۱)، فقه سیاسی، ج ۴، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- فیض کاشانی، محمد (۱۴۱۵)، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، ج ۶، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، ج ۳، قم: دار الکتب کاشانی، فتح الله بن شکرالله (بی تا)، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، ۱۰ جلد، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰)، تفسیر فرات الکوفی، تهران: وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي.
- گلستانی (۱۳۸۳)، «منفعت طلبی و یژگی ذاتی انسان»، حدیث زندگی، ش ۱۶.
- محدث قمی، شیخ عباس (۱۳۷۹)، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل، قم: دلیل.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، ج ۱۰، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۹۱)، شرحی بر دعای سحر، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۹۲)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.